

تا چه شد احوال گرگ اندر نبرد...

ردالت "تحسین برانگیز" و پاسخ به یک مزدور!

علی فرهنگ

(۱) در شرایطی که کمتر از دو هفته از شهادت مظلومانه زندانی سیاسی "محسن دکه چی" به موجب عدم رسیدگی پزشکی می گذرد، مزدور "میلااد آریایی" در یک فقره ردالت "تحسین برانگیز" و صراحت "مشمزکننده"، نقاب، از چهره افکند و به "مزدور"ی خود اعتراف نمود. مبارک است!

ماجرا از مصاحبه مزدور "ادوارد ترمادو" با "بی بی سی" (فارسی) آغاز شد. در مصاحبه مزبور، آقای "عنایت فانی" در مقام "مصاحبه کننده"، برخی از "خط قرمز"های مزدوران و البته "بی بی سی" (فارسی) را زیر پا نهاد و به "چون و چرا" پرداخت.

اقدام آقای "عنایت فانی" که احتمالاً تا چندی دیگر همچون آقای "جمشید چالنگی" و آقای "علی جوانمردی" مورد لعن و نفرین و مهمتر از آن "سم پاشی" مزدوران وزارت بدنام اطلاعات قرار می گیرد، با واکنش "خشم آلود" سایت "ایران دیدبان" مواجه شد.

سایت معلوم الحال "ایران دیدبان" با انتشار مقاله ای تحت عنوان "خیانت به باند رجوی یک ارزش ملی است"^(۱)، علاوه بر این که به "ترمیم" و بازسازی "روحیه" مزدوران می پردازد، آقای "عنایت فانی" را مورد انتقاد قرار می دهد که:

با توجه به این که "... فضای سیاسی و مطبوعاتی خارج کشور مرعوب جوی است که بقایای رجوی علیه مخالفین و منتقدین خود ایجاد کرده و با لجن پراکنی های چارواداری جادشدگان و ایرانیان خارج کشور را مورد حمله قرار می دهند!" (تاکید از من است).

لذا "برنامه" به عبارت دیگر "بی بی سی" این هفته که اختصاص به مصاحبه آقای عنایت فانی خبرنگار این رسانه با آقای ادوارد ترمادو از اعضاض جداد شده از مجاهدین داشت یک نمونه از این رویکرد است. (تاکید از من است).

از این رو "هر چند ظاهراً آقای فانی قصد داشت تا فرصت دفاع در مقابل اتهامات مجاهدین برای آقای ترمادو فراهم آورد، اما ناگزیر به طرح اتهامات رجوی ساخته ی مجاهدین پرداخت." (تاکید از من است).

بنابراین "غفلت از واقعیت های موجود در رابطه با این گروه و طرح واژه هایی همچون "خیانت" و "بریدن" به خصوص از جانب یک رسانه فراگیر باعث اعتبار بخشیدن به شانتاژهای گروهی می شود که کمترین جریمش خیانت به ایران و همکاری با صدام است." (تاکید از من است).

"ایران دیدبان"ی ها پس از آنکه "توقعات" خود را به یکی از رسانه های "استکبار جهانی" منتقل می کنند، در پایان به "ترمیم" و بازسازی "روحیه" مزدوران می پردازند و مدعی می شوند که "بدیهی است که لجن پراکنی های مجاهدین ارزش پاسخگویی نداشته(!) و آنچه به اختصار آمد جهت روشنگری بود(!)، در مقابل اما بایستی به تبلیغ این ایده که خیانت به مجاهدین به دلایل فراوان یک ارزش ملی به حساب می آید و عدم همراهی با باند خائن رجوی یک اقدام شرافتمندانه است پرداخت و سرفرازانه از آن دفاع کرد و به آن افتخار نمود." (تاکید از من است).

سراسیمه گی "ایران دیدبان"ی ها به موجب برخورد حداقلی و البته چالش برانگیز آقای "عنایت فانی" در مواجهه با مزدور "ادوارد ترمادو"، گویای بی پایه گی و سست بودن "خانه عنکبوت" است.

جالب آنجا است که به چالش طلبیدن مزدور مربوطه در یک "مصاحبه" (مصاحبه، ذاتاً چالش برانگیز است)، از جانب یک رسانه فراگیر، جیغ بنفش "ارباب" را به ارمغان می آورد و به تزریق "روحیه" به "رعیت" منتهی می شود!

در این میان، مزدور "میلاد آریایی" به مثابه همپیلگی مزدور "ادوارد ترمادو"، که به "چالش" طلبیده شده بود، با تزریق "روحیه" از جانب "ارباب" جان تازه ای می یابد و به "تقدیر و تشکر" از واحد "تزریقات" وزارت بدنم اطلاعات می پردازد!!!

مزدور "میلاد آریایی"، "تقدیر و تشکر" خود از واحد "تزریقات" وزارت بدنم اطلاعات را با نگارش مقاله ای تحت عنوان "ارزش های ملی و فاجعه ای به نام مجاهدین خلق (فرقه رجوی)"^(۲)، این چنین واگویی می نماید:

"اطلاق **ارزش ملی**" به افرادی که علیه سازمان مجاهدین طغیان کردند و به مقابله تنوریک(!!!) با نظرات و استراتژی آنان پرداخته و از همه مهمتر به افشای ماهیت ضد دموکراتیک و ضد ملی این جریان وابسته کمر همت بستند، می توان گفت **با محتواترین و در عین حال خلاصه ترین بیانی** است که تاکنون در مورد جدانشدگان طغیانگر این سازمان به کار برده شده است و ... به هر صورت من خیلی خوشحالم که بخشی از توانایی ها و توانمندی های جریان رو به افزایش جدانشدگان ... **پاسخ مثبت** خودش را از تاریخ و جامعه گرفته است و زندگی جدید آنان در "مناسبات سیاسی ایران معاصر" وزن و جایگاه شایسته ای پیدا کرده است تا آنجا که قدم و قلم صادقانه (!) آنان را "**ارزش ملی**" نامگذاری کنند." (تاکید از من است.)

الحق و الانصاف، ردالت مزدور "میلاد آریایی"، "تحسین برانگیز" است!!!

بی تردید سراسیمه گی "ایران دیدبان"ی ها، مزدور مربوطه را به مرز "توحش" رسانده و به پاره کردن "افسار" ترغیب نموده است.

اطلاق "ارزش ملی"، "اقدام شرافتمندانه" که بنا بر توصیه توسط سایت معلوم الحال "ایران دیدبان"، می بایست "سرافرازانه از آن دفاع کرد و به آن افتخار نمود"، فی الواقع "بامحتواترین و در عین حال خلاصه ترین بیانی است" که می توان در توصیف "هرزگی سیاسی" مزدوران وزارت بدنم اطلاعات عنوان نمود.

راقم این سطور نیز بسیار "خوشحال" است که یکبار دیگر "بخشی از توانایی ها و توانمندی های" رذیلانه مزدوران توسط ارباب جهل و جنون و جنایت، "پاسخ مثبت" گرفت و "وزن و جایگاه شایسته ای" برای آنان در "مناسبات سیاسی ایران معاصر" به ارمغان آمد!!!

(۲) آقای "علی ناظر"، مسئول محترم سایت "دیدگاه" در مورخه ۱۳۹۰/۱/۱۴ با انتشار مقاله ای تحت عنوان "عادت"^(۳)، به بیان نظرات "مستقل" خود در رابطه با مسایل سیاسی روز پرداخت.

مزدور "جواد فیروزمند" نیز با نگارش مقاله "آقای ناظر، ترک عادت موجب مرض نیست!"^(۴)، به مقاله "عادت"، "عادت گونه" واکنش نشان داد و "گاز" گرفت!

مزدور جواد فیروزمند می نویسد: "کسی که خود را با "فرهنگ" می نمود در یکی از فحش نامه هایش تاکید کرده است ویدئوهای ملاقات مسعود رجوی با ژنرال های اطلاعات و امنیت صدام حسین را مشاهده کرده و همه آنها بخاطر مصالح و منافع ملی ایرانیان بوده است. آیا آقای ناظر می تواند جدا از نامه "کدیور" پاسخ دهد که همراهی و شراکت ۲۵ ساله مجاهدین و رجوی با صدام حسین بخاطر کدام منافع ملی بوده است؟ ملاقات خانم مریم رجوی با "بولتون" ها، حامیان "دولت حرامزاده"، تحت امری و استمالت از آنان چطور؟"

جالب اما آنجا است که مزدور مربوطه، در نقد مقاله "عادت" به مقاله پیشین "علی فرهنگ" اشاره می کند و آقای "علی ناظر" را در رابطه با ادعای "علی فرهنگ"، مورد پرسش قرار می دهد!!!

جالب تر آنجا است که "پاراگراف" فوق با متن اصلی مقاله مزدور "جواد فیروزمند"، "همخوانی" ندارد و به مثابه "سکته" با زور عریان به "متن" تحمیل شده است!

این که آقای "علی ناظر" به مزدور مربوطه پاسخ می دهد یا نه، به راقم این سطور ارتباط ندارد اما این که در مقاله مزبور، به یکی از ادعاهای "کسی که خود را "بافرنگ" می نمود" اشاره شده است لاجرم می بایست "پاسخ" داد.

اول: مزدور "جواد فیروزمند" نیز با اشاره به "فرهنگ" راقم این سطور، آدرس و "نام و نشان" آیشخور "نظری" و "عملی" خود را بیان می کند. (۵)

دوم: اگر آنچه "علی فرهنگ" به رشته تحریر در آورده است مصداق "فحش نامه" است، بنابراین نوش جان دریوزگان ولایت!

مزدور "جواد فیروزمند" می تواند "فرهنگ" را از "مهندس جهانگیر شادانلو" و چاقوی "خوش دست" اش بیاموزد!

سوم: در مقالات "دست خون ریز ستم به عبث می کوشد..." (۶) و "محتسب خم شکست و من سر او..." (۷)، در پاسخ به مزدور "محمد کرمی" مدعی شدیم که "در رابطه با" چهار عدد فیلم ملاقات مسعود رجوی (و) صدام حسین...، اگر محتویات این فیلم ها همان مواردی است که در کتاب "برای قضاوت تاریخ" توسط "ایران اینترلینک" منتشر شده است، "علی فرهنگ" تمام فیلم ها را مشاهده و متن نوشتاری آن ها را مطالعه نموده است. تمام آنچه در این فیلم ها آمده است در راستای تأمین "منافع ملی" ایران است و بس!

پاسخ "کسی که خود را "با فرهنگ" می نمود"، آن چنان مزدور مربوطه را "نواخته" و "آشفته" ساخته است که پرسش خود را نه از "مدعی" بلکه از آقای "علی ناظر" (به عنوان فرد غیر مدعی) مطرح می کند!!!

پاسخ اما واضح است. به اجمال بگوییم، به باور راقم این سطور، تأمین "منافع ملی" ایران یعنی گام نهادن در مسیر "سرنگونی" کلیت رژیم آخوندی، نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر. بی تردید گام نخست هر گونه "تغییر و تحول" در سپهر "منافع ملی" از رهگذر "سرنگونی" فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران می گذرد و بس.

"کنش" نظامی خلاقانه "مسعود رجوی" در عزیمت به "جوار خاک میهن"، تأسیس "ارتش آزادیبخش ملی ایران" و اقتضانات "رنال پلتیک" در کادر "دیپلماسی انقلابی" و در چارچوب "دولت در تبعید" چیزی جز تأمین "منافع ملی" ایران نبوده و نیست.

سوز و گداز ۲۵ سال اخیر از جانب رژیم ضد ملی آخوندی و پارس های "عمله ارتجاع" گویای این مدعا است.

پی نوشت:

(۱) <http://www.irandidban.com/fa/viewpoint-۱۶۴۰۷>

(۲) <http://www.iran-interlink.org/fa/?mod=view&id=۹۶۷۹>

(۳) <http://www.didgah.net/maghalehMatnKamel.php?id=۲۵۰۲۹>

(۴) <http://ariairan.com/fa/?mod=view&id=۱۱۳۴۲>

(۵) <http://www.irandidban.com/fa/viewpoint-۲۰۱۳۸۹>

(۶) <http://www.aftabkaran.com/maghale.php?id=۱۵۴۶>

(۷) http://www.aftabkaran.com/Archive_maghalat.php